روزنامه فرهنگی - اجتماعی صبح ایران
صاحب‌امتیاز: سازمان صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران
مدیر مسئول: یوسف قوچانی غروی

جام جم

سه‌شنبه ۱۳ خرداد ۱۴۰۴ | ۷ ذی‌الحجه ۱۴۴۶
۲۰ صفحه روزنامه ⊕ ۸ صفحه ضمیمه
سال بیست‌وششم | شماره ۷۰۶۰
Tuesday | June 3 | 2025

تهران، بلوار میرداماد، جنب مسجد الغدیر، شماره ۱۲۹ ■ تلفن: ۲۳۰۰۴۰۰۰-۰۲۱
دورنگار تحریریه: ۲۳۰۰۴۴۳۳ ■ سازمان توزیع: ۶۱۹۳۳۰۰۰ ■ کدپستی: ۱۹۱۱۶۱۸۴۱۳
امور مشترکین: ۶۱۹۳۳۱۱۴ ■ سازمان آگهی‌ها: ۴۹۱۰۵۰۰۰ ■ شماره پیامک: ۳۰۰۰۱۱۲۴۰

تلفن گویا: ۲۳۰۰۴۴۴۴
چاپ: چاپخانه روزنامه جام جم
شاپا: ISSN1735-3637

پایگاه اطلاع‌رسانی روزنامه: www.jamejamdaily.ir
پست الکترونیکی: info@jamejamdaily.ir

اوقات شرعی

اذان ظهر: ۱۲:۰۳	نیمه‌شب شرعی: ۲۳:۱۰
غروب آفتاب: ۱۹:۱۶	اذان صبح فردا: ۳:۰۵
اذان مغرب: ۱۹:۳۷	طلوع خورشید فردا: ۴:۴۹

امروز در تاریخ

- سالمرگ فرانتس کافکا، نویسنده / ۱۹۲۴
- سالمرگ محمدعلی کلی، بوکسور / ۲۰۱۶

حکمت

امام صادق(ع): خوش خلقی گناه را آب می‌کند چنان‌که خورشید یخ را ذوب می‌کند. / تحف‌العقول

واحه

دارم سخنی هم از تو با تو
مقصود تویی سخن بهانه است/انوری

شمیم رحمت

- پیامبر اکرم(ص): کسی که امانتدار نیست، ایمان ندارد.
النوادر راوندی

مشق عشق

- وصیت‌نامه شهید کرامت بهادری: به تقوا، صبر، عدالت، شکیبایی در برابر مصائب، عبادت در مقابل خداوند متعال، دستگیری از بیماران و احساس مسئولیت در برابر جامعه سفارش می‌کنم.

در خلوت خورشید

نگاهی به اتفاقات ۱۴ خرداد ۱۳۶۸ از نگاه دوربین عکاسان خبری

تاریخ عصر ما باشکوه‌ترین استقبال و بدرقه را به نام بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران ثبت کرد. خیابان‌های تهران به صحنه تلخ بدرقه بنیانگذار انقلاب بدل شد. روایت شلوغی آن روز را یا به چشم دیده‌ایم یا بارها و بارها شنیده‌ایم؛ اما شاید تصاویر به‌جا مانده از آن روزها، گویاترین روایت بدون قضاوتی باشد که می‌توان به آن رجوع کرد. ۱۴ و ۱۵ خرداد، سال‌هاست در تقویم با نام امام خمینی(ره) پیوند خورده. از مراسم بزرگ و استثنایی تشییع آن روز هنوز روایت‌های زیادی شنیده می‌شود؛ روزی که جوانان انقلابی برای خداحافظی ابدی با رهبرشان باز هم در کنار هم پا به همان خیابان‌هایی گذاشتند که چند سال پیش صحنه مبارزه‌شان بود.















جواد محقق | نویسنده و پژوهشگر

مرد هزاره من



امروز در خاطره مردی شناورم که بزرگ‌ترین و شریف‌ترین رهبر روحانی اسلام بود؛ مردی که روش گرانبهایش در شناختن و شناساندن شیوه‌های مبارزه مشعلی فراراه امتی بزرگ شد.

مردی که زندگی سیاسی-اجتماعی خود را با زندگی خصوصی‌اش گره زد و بی‌آن‌که خانه و خانواده را فدای حرکت‌های تند سیاسی کند، مجموعه‌ای از عواطف خانوادگی را به مدد سیاست‌هایش برد. مردی که زندگی‌اش به زیستن ساده چوپانان مرسل شباهت داشت و ظرافت‌های زندگی هنرمندان راستین را به یاد می‌آورد.

مردی که مهربانی و عدالت را ضمیمه انسان‌شناسی الهی خویش کرده بود و چون خیال تسلط بر کسی را نداشت، بر نفس خویش مسلط شد و بر انبوهی از دل‌ها حکومت کرد.

مردی که مردان قبیله قبله را به دنبال‌روی از خویش کشاند و سیلی از جوانان پرشور را علمدار فردا کرد.

مردی که سادگی پیچیده او، پیچیده‌ترین سیاست‌های دشمن را به‌سادگی نقش بر آب کرد و راز سربه‌مهر نفوذش، آشکارترین پنهان عصر ما شد.

مردی که اهداف بلند و رقابت‌ناپذیر او در عرصه سیاست جهانی، به مدد استقلال ذاتی اندیشه‌های عرفانی‌اش مجموعه‌ای را به‌وجود آورد که همه راه‌های رسوای سیاسی را به بن‌بست کشاند و سرودهای سربلند استقلال و اندیشه را در دو سوی جاده توحید به تفکر نشاند.

مردی که بصیرت ذاتی او در مسائل سیاسی و بینش مکاشفه‌آمیزش در مباحث اجتماعی، والاترین دلیل ارتباط او با عالمی دیگر بود.

مردی که با حضور عظیمش در سال‌های پایانی قرن بیستم، حجم رسانه‌های جهان را پر کرد و چونان مردمکی آرام در چشم دوربین‌های اقصی نقاط عالم نشست و دنیا را به تماشای خویش واداشت.

مردی که روح معصوم روستایی‌اش، رنگ باران و ترنج داشت و صفای شعر و شالی را تداعی می‌کرد؛ و حیرت، غباری بود که وجودش در کوچه‌های تفکر می‌پاشید و چشم‌های منافق را تار می‌کرد و آفتاب نگاهش میلاد یک عدالت پایا بود.

مردی که قوت نظر، استحکام رأی و خلوص نیت او، همراه با سختگیری‌هایش نسبت به خویش و تساهل و اغماضش در رابطه با دیگران، در کنار وارستگی روح و لطافت اندیشه‌اش، از او انسانی فسادناپذیر ساخت و شمشیر بلند قاطعیتش را از زنگارهای زمانه پرداخت.

مردی که با غرور نجیبش، بزرگ خواندگان زمان را به کوچکی خویش واقف ساخت و کودکان پابرهنه خمین را در اندیشه سرداری زمین، بزرگ کرد.

مردی که عظمت الهی-انسانی‌اش، ستایش دوست و دشمن را برانگیخت و شراب محبتش را در جام سینه‌های آشنا و بیگانه ریخت.

مردی که عظیم‌ترین استقبال تاریخ و شکوهمندترین بدرقه زمان را به خود اختصاص داد و چون به ملکوت خدا کوچید، کوچه کوچه کشورش سیاه پوشید.

ملتی به سینه کوفت. امتی به اشک نشست و قبیله اسلام را اندوهی غریب در خود فشرد.

مردی که سهم نگاهش را آن‌سان به تساوی تقسیم کرد که توانگران آزمند، تبعیضش را طمع نتوانستند و ضعیفان نیازمند، از عدالتش مأیوس نشدند.

مردی که بزرگ‌ترین دستاورد زندگی‌اش، خودش بود؛ خودی که در سال‌های سیاه ستمشاهی، تنها اگر به‌قدر غباری از صخره‌های صلابت و استقامتش می‌کاست، زندگی‌اش را به برترین آرایه‌های جهان می‌آراست. اما نخواست و نکاست چراکه شیعه مردی بود که همه زیورهای زمانه را به عطسه بزی برابر کرد.

مردی که با همه دشواری‌های رهبری داخلی و خارجی، سر از فرمان عشق نپیچید و جز دست دوست، ندید.

مردی که میلادش، تولد خورشید بود و مرگش مهاجرت نور و زندگی‌اش سراسر شعر و شعور و شور.

این بخت بلند نسل من بود که سال‌های کودکی و نوجوانی و جوانی و پیری‌اش را در سایه حمایت مردی به سر برد که آوازه صداقتش گوش‌های تاریخ را پر کرد و کوچه‌های خاطره نسلی عبور را به صمیمیت انباشت.

نسل من باید شکرگزار آن باشد که توفیق معاصرت و معاشرت با کسی را داشت که یکی از کمیاب‌ترین نمونه‌های انسان متعالی بود.

در لحظه لحظه حیاتش حرفی جز حقیقت نگفت و شعری جز خدا نسرود.

مردی که همه پاکی‌ها و نیکی‌ها را در خود ذخیره کرده بود: زیرکی، شرم، عدل، حق‌جویی، صراحت لهجه، لطافت ذوق، خوشخویی، اعتماد به نفس، سرعت انتقال، دوراندیشی، مردم‌دوستی، عشق به خدمتگزاری، تعبد، تعهد، تهجد و در یک کلام: «فرهنگی از واژه‌های مقدس».

در این روزهای بحرانی تاریخ، به خاطره مردی رو می‌آوریم که وجودش از آن جهت به بشریت تقدیم شد که نام و یادش تسلای دل داغداران باشد و حماسه‌اش، حدیث همیشه عاشقان.

اندیشیدن به وی، اندیشیدن به آرمان‌های بلند اوست.

او را هنگامی درک می‌توان کرد که پرچمداری‌اش را در عرصه‌های عشق و ایمان و شور و شرف دید و علمداری‌اش را در کارزاری مداوم به حمایت حقیقت از زبان واقعیت شنید.

او مردی بزرگ بود با یاورانی دلاور که میدان‌های مردی را در نوردیدند و تاج شاهنشاهان را به تاراج بردند.

شیران شرزه‌ای که جویبار جاری خون‌های‌شان، سیلی عظیم پدید آورد تا شام سیاه شب‌اندیشان را به خون بشوید و در سرخ‌ترین فلق تاریخ، اذان سبز آزادی بگوید.

او مردی بود که درهای بسته تفکر سیاه الحادی را به دشت‌های روشن اندیشه‌ای الهی باز کرد و کلید گنجینه‌های دین و دنیا را به دست بشریت داد.

او بود که اعجاز کلامش، مشت ساحران را باز کرد و پیوند بی‌نظیرش با مردم، حقارت همه روشنفکرمآبان مدعی خلق را به نمایش گذاشت.

متن کامل

